

حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه با تأکید بر پاسخگویی

حسین سلطان محمدی *

چکیده

امروزه مفهوم «حکمرانی مطلوب» به گونه‌ای فزاینده در ادبیات توسعه مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه «حکمرانی مطلوب» که با ویژگی‌های مختلفی از جمله «پاسخگویی» تعریف می‌شود الگویی برای توسعه پایدار انسانی محسوب می‌گردد. لذا ما در این نوشتار در پی اثبات این موضوع هستیم که آیا «پاسخگویی» که به عنوان یکی از مولفه‌های حکمرانی مطلوب از منظر نظام بین‌الملل مطرح می‌باشد، در قرآن کریم و نهج البلاغه و گزارش‌های تاریخی معطوف به شیوه کشورداری امام علی (ع) به شکلی صریح، قابل ردیابی است؟ از این رهگذر با بررسی مؤلفه مذکور در حکومت علوی در خواهیم یافت که امام علی (ع) نه تنها در مقام نظر معتقد به حکمرانی مطلوب بوده‌اند بلکه در عمل نیز همواره خود را متعهد به آن می‌دانستند.

کلیدواژگان: قرآن، نهج البلاغه، حکمرانی مطلوب، پاسخگویی

*. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مفید (ره)، نویسنده و پژوهشگر: hosinsoltan@yahoo.com

مقدمه

همه دولت‌ها به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آنها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان آورند. سراسر تاریخ تمدن بشری مملو از کوششهایی است که در این زمینه صورت گرفته و البته بسیاری از آنها نیز در رسیدن به نتیجه ناکام مانده است. امروزه جهان در فرآیند تحولات بزرگی قرار گرفته است و این تحولات که ناشی از پیشرفت‌های شگرف در علم و فناوری است، رویکردهای جدیدی را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی پیش روی جوامع قرار داده است. تغییر در روابط اجتماعی و پدید آمدن سازمان‌های مختلف بین‌المللی، تعاملات فرهنگی و تسهیل در اقتصاد بین‌المللی می‌طلبد که نگاه جدیدی نسبت به حکمرانی مطرح شود. بنابراین اجتناب‌ناپذیر است که نقش دولت‌ها و مبانی حکمرانی نیز متحول شده تا بتواند با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های علمی، انسانی، مادی و معنوی مشی جدیدی را در پیش گیرند. یکی از تفاوت‌های بارز این عصر با گذشته، پیدایی نهادهای بین‌المللی است که داعیه تصمیم‌گیری برای کل دنیا را دارند. در زمینه مباحث مربوط به توسعه و پیشرفت نیز نهادهای مختلفی تأسیس شده و با به‌کارگیری دانشمندان و متخصصان مختلف و تحقیقات گسترده سعی دارند نسخه‌هایی عمومی در این زمینه به کشورها ارائه کنند. یکی از آخرین طرح‌ها و اندیشه‌ها «نظریه حکمرانی مطلوب» است که بانک جهانی بیش و پیش از دیگران بر اجرای آن تأکید دارد. اما آیا تحقق این نظریه (بر مبنای لیبرالیسم) در منابع دینی با وجود پذیرش مبنای هستی‌شناسانه متفاوت (دینی) امکان‌پذیر خواهد بود؟ با توجه به آنکه در متون دینی ما مشتمل بر تاریخ و روایات از جمله نهج البلاغه تجربه یک حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه تحت رهبری امام علی (ع) گزارش شده است، مطالعه مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در حکومت آن حضرت (ع)، می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد. بنابراین در این

نوشتار سعی نگارنده بر آن است که به بررسی یکی از شاخص‌های تحقق حکمرانی مطلوب (پاسخگویی) در حکومت علوی با رویکردی بر قرآن و نهج البلاغه بپردازد. براساس آموزه‌های قرآن، اسلام بر پایه «پاسخگویی» استوار است. پاسخگویی دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. از جنبه فردی، خداوند اختیارات و توانمندی‌هایی در اختیار انسان قرار داده و اهداف مشخصی برای او تعیین کرده که در مقابل این توانمندی‌ها و اهداف باید پاسخگو باشد. از این پرسشگری الهی می‌توان نتیجه گرفت که از جنبه اجتماعی نیز وقتی مردم اختیارات و توانمندی‌هایی در اختیار کارگزاران خود قرار می‌دهند و قدرت خود را به آنها تفویض می‌کنند، این مسئولان ملزم به پاسخگویی هستند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۶۲). در نهج البلاغه نیز پاسخگویی دارای جایگاه عالی و پسندیده‌ای است که در همین راستا پاسخگویی حکومت علوی (ع) به مطالبات مردم و مسئولیت‌پذیری آن در برابر پرسش‌های جامعه از ابعاد روشن سیره سیاسی امام علی (ع) می‌باشد لذا ما در این نوشتار در پی آنیم که مؤلفه پاسخگویی برخلاف تصور مطرح‌کنندگان ایده حکمرانی مطلوب در قرآن و سیره علی (ع) در دوران کوتاه حکومتشان در حد اعلای آن قابل مشاهده است.

«حکمرانی خوب» از مقیاس‌ها و معیارهایی همچون شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری متشکل است. اصول مذکور در همان حال شاخص‌ها و مصادیق تحقق آن نیز هستند، به این معنا که جلوه و نمود خارجی و احراز حکمرانی خوب را می‌توان در هیئت و قالب این اصول مشاهده و شناسایی کرد. از آنجا که این آموزه برگرفته از محافل و مجامع غربی است، امکان اجرایی شدن آن در جوامع اسلامی محل تفرق آراء است. به بیان دیگر هدف اصلی این پژوهش تبیین مفاهیم مدرن علوم انسانی - اجتماعی همچون پاسخگویی و حکمرانی مطلوب در متون دینی است. از این حیث، نوشتار حاضر به عنوان مطالعه موردی به مطالعه و واکاوی مفهوم «پاسخگویی»

به عنوان مفهومی مدرن در متون و منابع فقهی همچون قرآن کریم و نهج البلاغه پرداخته است، لذا این منطق گامی مهم در راستای بومی سازی علوم انسانی از طریق پی جویی مفاهیم مدرن در متون دینی به شمار خواهد آمد.

نظر به اینکه این پژوهش یک تحقیق بنیادی و تئوریک است دسترسی به داده‌های آن مبتنی بر مطالعه و بررسی منابع علمی مکتوب و الکترونیکی موجود در کتابخانه‌ها است. روش تحقیق ضمن اینکه بر پایه اطلاعات و منابع کتابخانه‌ای پیش می‌رود جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و اهدافی از این قرار را دنبال می‌کند:

- آشنایی محققان و نخبگان فعال در علوم اسلامی و دانشگاهی ایران با مفهوم نوظهور «حکمرانی خوب» و اصل «پاسخگویی» در پرتو منابع اسلامی.

- تقلیل میزان تخلف به جهت افزایش ریسک ارتکاب فساد و سوءاستفاده از موقعیت در تشکیلات دولتی در پرتو آشنایی با این اصل مهم.

- کسب اعتماد عمومی و پیشگیری از رسوخ شبه‌های خلاف واقع با استفاده از نهادینه ساختن «پاسخگویی».

- کسب معیارهای سنجش کارآمدی یک حکومت که از یک سو مطابق موازین شرع باشد و از سوی دیگر شاخص‌های یک حکومت مطلوب و کارآمد را نقض نکند.

- قرار دادن سرمشقی ارزنده در اختیار صاحبان قدرت در جهت حفظ حقوق ملت.

تعریف حکمرانی خوب یا مطلوب

برای «حکمرانی خوب» تعاریف گوناگونی ارائه شده است که برخلاف واژه «حکمرانی»، روح حاکم بر همه آن‌ها تفاوت چندانی با هم ندارد. به عبارت دیگر هر کدام از تعاریفی که برای این مفهوم بیان شده، بعد یا ابعاد خاصی از آن را مورد توجه قرار داده و بر مبنای آن، به تعریف این مفهوم پرداخته است. در واقع «حکمرانی خوب» را می‌توان بر اساس ویژگی‌هایش و یا بر اساس فرآیندش تعریف کرد. در تعریف بر

اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌شود در حالی که در تعریف بر اساس فرآیند، اعمال حاکمیت تعریف می‌شود (میدری، ۱۳۸۳: ۳۱).

«حکمرانی خوب» برای اولین بار در سندی از بانک جهانی با عنوان «آفریقای زیر صحرا، از بحران تا رشد پایدار» در سال ۱۹۸۹م بکار گرفته شد. در این سند این مفهوم، با انواع سیاست‌های تحول ساختاری که برای سالیان طولانی مورد توجه و اهتمام بانک جهانی بود، مرتبط گردید؛ سیاست‌هایی چون کاهش مداخله دولت در تصمیمات اقتصادی، کوچک‌سازی بخش عمومی و شفاف‌سازی و کارآمدسازی دیوان‌سالاری دولتی، بازار آزاد و حذف یارانه‌های غیرضروری و تغییر این فرآیند با اقتصاد جهانی (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). همچنین این بانک در جایی دیگر، «حکمرانی خوب» را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است (قدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۷).

تعریف پاسخگویی

رابطه میان نهاد قدرت و سایر نهادها همچون روابط سایر نهادها با یکدیگر از نوع تعاملی است و تأثیر و تأثرات سایر نهادها، آگاه یا ناخودآگاه نهاد قدرت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نهاد قدرت هرگونه بنگریم، چه آن را نماینده جامعه و برگزیده آن برای تمشیت امور فرض کنیم و چه عقل برگزیده مرهوب که فراتر و والاتر از جامعه است، در هر حال رابطه‌ای اساسی و شبه علّی و معلولی میان آن با جامعه برقرار است. چنانکه بدون جامعه و مردم، حکومت معنایی ندارد و بدون حکومتی مستقر و فهیم و حکیم، ملت بی‌سامان و در مسیر فنا خواهد بود. نگاه دینی و آموزه‌های اسلامی بر هر دو وجه حاکم تأکید دارد؛ از یکسو صلاحیت حکمرانی در جامعه صرفاً با حاکم عادل و عالم و فهیم است (با ویژگی‌هایی که به تفصیل برای آن بیان می‌شود) و از سوی دیگر، بدون خواست و اراده مردم حکومتی شکل نمی‌گیرد و اگر هم در این حال شکل گیرد غصبی و غیرمشروع است. «پاسخگویی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های

اساسی حکمرانی مطلوب یعنی مردم، اراده و خواست آنان این اصل مهم را به حاکمان تحمیل می‌کند که اگر حکمرانان امانت‌داران جامعه و مردمند بنابراین همواره باید به آنان پاسخ دهند؛ چرا که خود چیزی از خود ندارند و هر آنچه هست صلاحیات، اختیارات و ثروت و قدرتی است که صاحب اصلی آن یعنی جامعه نزد آنان به امانت سپرده تا صرف تمشیت صحیح امور آنان نماید و تردیدی نیست که این سرمایه‌ها ملک شخصی حاکمان نیست و تنها در فتره‌ای زمانی به رسم امانت در دست آنها است و بالتبع ضامن آن و مسئول حسن استفاده از آن هستند. در فرهنگ لغت آکسفورد «پاسخگویی» اینگونه تعریف می‌شود: «مسئول بودن در برابر تصمیمات و اعمال به گونه‌ای که دیگران هنگامی که از شما سؤال می‌کنند انتظار توضیح آن عمل و تصمیم را دارند» (اژئر و جلالی، ۱۳۹۵: ۳۰).

اصول حکمرانی خوب یا مطلوب

اگرچه در برخی از متون، حکمرانی خوب (Good Governance) به معنی دولت خوب (Good Government) نیز تعریف شده است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف یکدیگر دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در تقویت این اصول را تبیین نموده است؛ حکومت‌ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند. این اصول عبارتند از:

۱. مشارکت

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد (میدری، ۱۳۸۵: ۲۶۱-۲۸۷).

۲. حاکمیت قانون

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به ویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم است ذکر شود که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فسادناپذیر برای این نظام می‌باشد (همانجا).

۳. شفافیت

شفافیت به معنای جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود (همانجا).

۴. پاسخگویی

پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود (همانجا).

۵. شکل‌گیری وفاق عمومی

همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد (همانجا).

۶. حقوق مساوی (عدالت)

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر، در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند (همانجا).

۷. اثربخشی و کارآیی

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارآ از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارآیی و اثربخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا نموده است (همانجا).

۸. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب به شمار آورد. در کنار مؤسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد؛ برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (همانجا).

عرصه‌های پاسخگویی زمامدار اسلامی

۱. پاسخگویی به پروردگار

یکی از نکات مهمی که امتیاز نظام سیاسی اسلام به شمار می‌آید آن است که دولتمردان در درجه نخست در پیشگاه خالق هستی مسئول و مکلفند. اگر نعمت «قدرت» در اختیار آنان نهاده شده برای آن است که در پرتو آن احکام دین خدا اجرا، جامعه اصلاح و حقوق واقعی مردم تأمین شود. همه مردم در پیشگاه خداوند مسئولند و در این میان آنان که از نعمت بیشتری برخوردارند، از آن جمله دولتمردان، مسئولیت بیشتری دارند. چنین احساسی در انسان که روزی در دادگاه عدل الهی پاسخگوی اعمال و رفتار خود خواهد بود، آدمی را منضبط می‌کند و از تعدی به حقوق خداوند و بندگان او باز می‌دارد.

امام علی (ع) در تمام دوران حکومت به فکر پاسخگویی در محضر الهی بود و «الایوم الحساب» را به یاد می‌آورد و به نیکی می‌دانست خداوند «سریع الحساب» و «اسرع الحاسبین» است و کسی توان تبرئه شدن در آن دادگاه حسابرسی را جز با رحمت الهی ندارد؛ ماجرای عقیل، برادر امام (ع)، که بیش از حق خود از ایشان طلب نمود گواه این مطلب است که در مقابل، امام (ع) با آهن گداخته قیامت و روز پاسخگویی را به یاد وی آورد و تعهد و مسئولیت خویش در مقابل خداوند را اینگونه برای او آشکار ساخت که کمترین خللی به تعهد خود حتی درباره نزدیکترین کسانش وارد نخواهد کرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۲. پاسخگویی به ملت

این نوع دوم پاسخگویی مدنظر ماست می باشد در بخشهای پیشین ملاحظه کردیم که حکومت اسلامی، حکومتی است برخوردار از پشتوانه مردمی که در آن مردم و دولتمردان از حقوق متقابلی برخوردار هستند و ویژگیهای دولت قانونمند بر آن قابل انطباق است و با این زمینه نیازی نخواهد بود که برای اثبات ویژگیهایی که لازمه طبیعی چنان حکومتی است همچون پاسخگویی، انتقادپذیری و داشتن عملکردی شفاف و اعمال قدرت استدلال شود (میدری، خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۴۹۸).

«پاسخگویی» از منظر قرآن

از آنجا که در تاریخ فرهنگ بشری کتابی فرهنگ آفرین تر و زندگی سازتر از قرآن نداریم (ممتحن، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۴۹). لذا برجسته ترین امتیاز مکتب حیات بخش و انسان ساز اسلام بر دیگر مکاتب و ادیان به هم پیوستگی آموزه های آن است. در دین اسلام اخلاق با سیاست، عرفان با حماسه و دنیا با آخرت پیوند دارد و این نشانه جامع نگری این دین در هدایت انسانهاست. سراسر این کتاب آسمانی سرشار از آیاتی است که بر مسئولیت-خواهی، پرسشگری و حسابرسی انسانها تأکید دارد و انسانها باید پاسخگوی امانتی باشند که بنابر آیه ۷۲ سوره احزاب^۱ به آنها سپرده شده است. در این آیه مسئولیت-پذیری و در قبال آن پاسخگویی از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم به انسان سپرده شده این است که او این قابلیت را دارد و می تواند ولایت الهی را پذیرا باشد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷/ ۴۰۹).

۱- «ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود».

در سوره نجم نیز آمده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ * وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ؛ هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد گرفت و برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده، ثواب و جزایی نخواهد بود» (نجم/ ۳۸ - ۴۰). پس هر کس حامل بار خویش است و هرگز بار دیگری را بر آن اضافه نخواهد کرد، و اگر انسان بداند که معنی مسئولیت چیست و هر کس چگونه ناتوان و در حال فروریختن در روز قیامت در برابر پروردگارش می‌ایستد که هیچ عذر و قوتی در اختیار ندارد، از آن به خوبی آگاه می‌شود که چه اندازه انداختن بار مسئولیت خویش بر دوش دیگران، به این گمان که آنان آن را حمل خواهند کرد، باطل و بی‌معنی است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌شود که بار سنگین مسئولیت را احدی جز، خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هر کسی مسئول پاسخگویی به اعمال خویش است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۲۴/۱۸).

در ذیل به نمونه‌هایی از آیاتی که در آن خداوند در قرآن کریم بر مسئولیت و پاسخگویی افراد در زمینه‌های و موقعیت‌های مختلف اشاره دارد می‌پردازیم:

«هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که در پیشگاه حکم خدا چشم و گوش و دلها همه مسئول‌اند» (اسراء/ ۳۶).

«آیا آدمی می‌پندارد که او را محمل از تکلیف و ثواب و عقاب گذارند؟» (قیامت/ ۳۶).

«همه باید به عهد خود وفا کنید که البته در قیامت از عهد و پیمان پرسیده خواهد شد» (اسراء/ ۳۴).

«روز حساب مردم بسیار نزدیک شد و مردم سخت غافل‌اند و اعراض می‌کنند» (انبیاء/ ۱).

«بی‌شک کسانی که بسوی آنان رسولان را فرستادیم و هم فرستادگان را مورد پرسش قرار می‌دهیم» (اعراف/ ۶).

«پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان از آنچه انجام داده‌اند خواهیم پرسید»
(حجر / ۹۲ و ۹۳).

از آیات فوق چنین برمی‌آید که هم رهبران و هم مردم در برابر خداوند مسئول و پاسخگو هستند. رهبران دینی در برابر آنچه که خداوند بر عهده آنها نهاده و مردم نیز هم در برابر خداوند و هم در برابر رهبران. خداوند متعال در قرآن کریم برای رسول (به عنوان بزرگترین رهبر) و مردم، مسئولیت‌هایی را مشخص نموده که هر یک باید پاسخگوی آن باشند. رسول مسئول تبلیغ آیات و احکام الهی است و امت اسلامی مسئول فهم و پذیرش دعوت الهی‌اند. مسئولیت خاتم پیامبران ابلاغ آشکار است و در مقابل وظیفه مومنان است که از او اطاعت کنند. (حیدری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱)؛ چنانکه آیه ۵۴ سوره نور می‌فرماید: «بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر پشت نمودید [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار مأموریتی نیست».

شاخص‌های حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه

همانگونه که اشاره شد اصطلاح «حکمرانی خوب» یکی از اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی امروز است که منظور از آن، اداره و تنظیم امور کشور و جامعه و رابطه دولت و شهروندان براساس عقل و دموکراسی (حق انتخاب مردم)، حقوق شهروندی، حاکمیت قانون و دستگاه قضایی مؤثر و... است. امام (ع) معتقد بود حکومتی می‌تواند مصداق «حکمرانی خوب» باشد که از اساس، مبتنی بر رعایت ضوابط عقلی و شرعی و مقبول مردم باشد. برخی از شاخصه‌هایی که با عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شوند عبارتند از:

۱. پاسخگویی و حق اظهار نظر

مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می‌توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. همچنین این شاخص بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و تجمع‌ها و آزادی رسانه‌های جمعی است. امام علی(ع) در این باره سخنان فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «در سیاست‌گذاری‌ها شیوه‌های میانه را برگزین، که به حق نزدیکتر و عدالت را فراگیرتر است و بیشتر مایه خشنودی همگان (عموم مردم) می‌گردد و همین باید مد نظر تو باشد، نه خشنودی خواص...» (نهج البلاغه، ۴۱۷).

حضرت علی(ع) پاسخگویی در قبال پرسش‌های مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این زمینه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، آشکارا به مردم توضیح ده و عذر خود را نزد آنان بیان کن و با این کار آنها را از بدگمانی بیرون بیاور، که اگر چنین کنی، این کار تو برای ریاضت و اجرای عدالت است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت و صراحت‌گویی در بیان عذر و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق» (همانجا).

۲. اثربخشی دولت

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت نسبت به این سیاست‌ها دارد. به عبارت دیگر، مفهوم اثربخشی به توانایی دولت در قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون و عدالت مدیریتی است. حضرت علی(ع) در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «این فرمانی است از علی امیرالمؤمنین به مالک اشتر، فرزند حارث، در پیمانی که با او می‌بندد، هنگامی که او را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج

آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، شهرهای مصر را آباد سازد» (همان، ۴۰۳).

۳. کیفیت قوانین

منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظام‌هایی است که موجب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. امام علی (ع) عدالت را برترین اصلاح می‌داند؛ زیرا ضعف‌ها، ناکارآمدی‌ها و ... همه ناشی از خروج امور از موضع خود می‌باشد و سیاست عادلانه، سیاستی است که هر کاری را بر موضع خود بنشانند: «عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد» (همان، ۵۰۷).

۴. حاکمیت قانون

یکی از اموری که حضرت علی (ع) به آن توجه جدی داشت، قانون‌مدار بودن و اجرای قانون به معنای واقعی بود. اگر کسی برخلاف قانون عمل می‌کرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت. ایشان در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه اهداف بلند خویش را در به دست گرفتن حکومت، گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستم‌دیده) و حاکمیت قانون، بیان می‌کند.

۵. کنترل فساد

امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد می‌فرماید: «همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (خوانساری، ۱۳۴۶: ۶۰۴/۲). ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «به خدا اگر ببینم که مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد آن را بازمی‌گردانم که در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد» (نهج البلاغه، ۳۹).

۶. شایستگی کارگزاران

یکی از شاخصه‌های حکومت امام علی(ع) اهتمام و دقت در شایسته‌سالاری است. به طور کلی از مجموع روایات و فرامینی که از ایشان به ما رسیده، ملاک‌های عمده شایسته‌سالاری و انتخاب کارگزاران امام علی(ع) شامل حکمت و مدیریت، تدبیر و تدبیر، شجاعت و قاطعیت، تقوی و امانت‌داری، سیاست، معرفت و ... می‌باشند» (شاه آبادی، ۱۳۹۲: ۸۵).

شکوه «پاسخگویی» در آینه زمامداری علوی

مسئولیت و پاسخگویی دو مفهوم ملازم یکدیگرند. ملازمه مسئول بودن، پاسخگویی است. یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی اسلام آن است که حکومت از مقوله «امانت و مسئولیت» است نه «حق و امتیاز». سخن معروف امام علی (ع) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان گواه روشن بر این واقعیت است که می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی بر گردن تو است باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری ...» (همان، نامه ۵).

در این بینش دولتمردان حافظ و نگهبانان این امانت و حقوق مردم‌اند و مناصب اجتماعی و سیاسی یک فرصت برای رسیدن به دنیا نیست، بلکه یک وظیفه، مسئولیت و آزمون الهی است (ورعی، ۱۳۸۳: ۶). مسئولیت بدون پاسخگویی معنا و مفهومی ندارد و این افتخار از آن مسلمین است که پششویان دینی آنان در اوج قدرت خود را به عنوان مسئول معرفی کرده و مردم را با حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان آشنا ساخته و راه نظارت بر دولتمردان را به ایشان آموخته است.

ارتباط متقابل مردم و مسئولین در رابطه با اصل پاسخگویی، امری است که در زمامداری علوی جلوه و تحقق یافته و حائز اهمیت است. یکی از وظایف کارگزاران در

قبال مردم اصل پاسخگویی است؛ زیرا رابطه مردم با حکومت یک رابطه دوسویه است که هم مردم نسبت به حکومت وظایفی دارند و هم حکومت نسبت به مردم. کارگزاران باید در مقابل عملکردهای خود به مردم پاسخ دهند و مردم نیز در قبال حکومت وظیفه اطاعت و فرمانبرداری و همراهی دارند؛ چنانکه علی (ع) می‌فرماید: «مردم! مرا بر شما حقی است و شما را نیز بر من حقی است. بر من واجب است که از خیرخواهی برای شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دارید ادا کنم. شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و به شما آداب را بیاموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم، اطاعت کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

علی (ع) حکومت را در مقابل اعمال خود به مردم پاسخگو می‌داند مگر در موارد حساس و استراتژیک مانند جنگ که این را حق حاکمان می‌داند که اخبار جنگ و شیوه‌ها و ترفندهای آن را نزد حکومت محفوظ دارد تا مبادا دشمن با آگاهی از آن سوءاستفاده کند؛ از اینرو می‌فرماید: «بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ، که از پوشاندن آن ناگزیرم و کاری را جز در حکم شرع بی رأی زدن با شما انجام ندهم و حق شما را از موقع آن به تأخیر نیفکنم و تا آن را نرسانم وقفه‌ای در آن روا ندانم و همه شما را در حق برابر دانم و چون چنین کردم نعمت دادن شما بر خداست و اطاعت من بر عهده شماست و چون شما را خواندم درنگ ندارید. در سختی درشوید اگر چنین پایدار نباشید کسی نزد من خوارتر و کج‌رفتارتر از شما نخواهد بود و کیفر او را سخت گردانم و رخصت رهایی را از من نخواهد شنود. پس این دستورها را از امیران خود بگیرید و فرمان آنان را چنان که خدا کارتان را بدان‌سان و می‌دارد ... بپذیرید» (همان، نامه ۵۰).

البته نحوه پاسخگویی حاکمان در برابر مردم بسیار مهم است؛ گاه می‌توان از طریق وزرا و معاونین و به طور غیرمستقیم به مردم پاسخ داد و گاه حاکم باید در میان مردم حضوری و بدون واسطه پاسخگو باشد. علاوه بر این حضور، پاسخگویی باید به موقع و مناسب و صحیح و مطابق با واقع باشد؛ چرا که گذر زمان می‌تواند از اثر پاسخگویی بکاهد و آن را بی‌ارزش کند و «نوشدارو بعد از مرگ سهراب باشد». علی (ع) با توجه به حساسیت پاسخگویی به هنگام می‌فرماید: «برخی از امور است که به ناچار خود باید مستقیماً بدان مبادرت کنی، از جمله پذیرفتن کارگزاران که مسئولان دفتری تو از آن ناتوانند و از جمله پاسخ گفتن به حوائج مردم، آن روز که به تو عرضه می‌شود و معاونان از انجام آن طفره می‌روند، کار هر روز را همان روز به انجام برسان، که هر روز کار به خصوص دارد ...» (همان، نامه ۵۳).

گاه کنترل امور برای حکومتها به علت مشغله فراوان و دستگاه عریض و طویل اداری آنها مشکل است و ممکن است افرادی در این بین با اغتنام از فرصت‌ها و رانت‌ها به سوءاستفاده از موقعیت و امتیازات حکومتی دست زنند و یا در حین انجام وظایف، اشتباهی از سوی زمامدار سرزند و... . هنر اصلی زمامدار این است که بعد از آنکه متوجه وقوع خطاها و اشتباهات شد و کوتاهی و قصور برایش عیان گردید، شجاعانه اشتباهات را به گردن گیرد و ضمن عذرخواهی از مردم، علل کوتاهی و قصور و یا اشتباه و بی‌توجهی را به آنان توضیح دهد و مردم را با پاسخ روشن قانع سازد و با این کار اعتماد و اطمینان افکار عمومی را نسبت به عملکرد حکومت جلب کند تا سوءتفاهم و سوءظن‌های مردم نسبت به مسئولان دفع و حل گردد (نیکو برش‌راد، ۱۳۸۶: ۱۳۲)؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «هرگاه رعیت پندارند به آنها ستم کرده‌ای آنان را به عذر خود متوجه گردان و با روشنگری لازم بدگمانی‌شان را برطرف کن. در این کار

خودسازی تو و مدارا با رعیت، نوعی عذرخواهی است که به وسیله آن به آرمان خویش که پایداری آنان در حق است می‌توان رسید» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر توصیه‌های مهمی به وی می‌کند که نظیر آن را می‌توان در هنجارهایی که از سوی نظریه حکمرانی مطلوب قالب‌بندی شده جستجو نمود. ایشان می‌فرماید: «اگر مردم گمان کردند که تو از مسیر حق خارج شده و ظلمی به آنان روا داشته‌ای آشکارا با آنان سخن بگو، دلایل درستکاری خود را به ایشان عرضه کن و با آشکار شدن در میان مردم آنان را از بدگمانی برهان» (همانجا). این بدان معناست که حضور و پاسخگویی دولتمردان در مقابل مردم و افکار عمومی باید کاملاً آشکار، شفاف و همگانی باشد. بر همین اساس است که امام (ع) در پیامی به نیروهای مسلح خویش چنین می‌نگارد: «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی هیچ سری از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید، جز حکم الهی، کاری بدون مشورت شما انجام ندهم» و در نامه به عبدالله بن عباس کارگزار امام (ع) در بصره می‌نویسد: «ابوالعباس خدایت بیامرزد در آنچه بر دست و زبان تو جاری می‌گردد و خوب باشد یا بد؛ کار به مدارا کن که من و تو در مسئولیت کاری که انجام می‌دهی شریکیم» (همان، نامه ۱۸).

امام علی (ع) اجرای عدالت را نیز در گرو پاسخگو بودن حکومت می‌دانست و معتقد بود که حکومت غیرپاسخگو نمی‌تواند مجری عدالت باشد؛ زیرا حق آزادی بیان و سؤال و انتقاد از حکومت، از بدیهی‌ترین حقوق مردم است که تضییع آن با عدالت سازگار نیست. از اینرو از مردم می‌خواست که نه تنها همه ارکان حکومتی، بلکه حتی شخصی او را نیز مورد سؤال قرار دهند و در نقد ارکان حاکمیت اهل مداهنه و سازگاری باشند و مبدا گمان کنند که اگر او را در خصوص کارهایش مورد سؤال قرار دهند و یا حرف حقی را به او متذکر شوند و یا اینکه اجرای عدالت را از او بخواهند ناراحت خواهد شد (آرایی، ۱۳۸۸: ۴۳).

اسلوب‌های پاسخگویی در سیره حکومت علوی

بنابر آنچه که بیان شد، پاسخگویی به مردم در حکومت علوی به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد که در ذیل به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) ارتباط مستقیم با مردم

امام علی (ع) به تأسی از پیامبر (ص) در طول حیات خویش به ویژه دوران حکومتش ارتباط تنگاتنگ و بی‌واسطه‌ای با مردم داشت و همیشه در دسترس همگان بود به گونه‌ای که همه بدون واسطه می‌توانستند مسائل و مشکلات خود را با ایشان در میان بگذارند و به کارگزارانش نیز سفارش می‌کرد هیچگاه از دید مردم غایب نشوند و برای دسترسی مردم به آنان، امکانات و تسهیلاتی فراهم نمایند. در این خصوص امام (ع) در بخشی از نامه‌اش به مالک اشتر می‌نویسد: «بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند ... پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام (ع) در ارتباط با ایجاد رابطه مستقیم و فراهم کردن امکانات باز هم در نامه دیگری به یکی از کارگزاران خود، همام به قثم بن عباس فرماندار مکه، سفارش کرده است: «در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسشهای دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز. جز زبانت چیز دیگری پیامرسانت با مردم و جز چهره‌ات دربان‌ی وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان». چنین ارتباط مستقیمی سبب می‌شود تا هم مدیر اطلاع‌درستی از امور داشته باشد و هم مردم با دیدن مدیران

در جامعه احساس همدلی و قرب با مدیران داشته باشند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۷).
قطع ارتباط با مردم موجب عذاب و آتش دنیا و آخرت است و هیچ آتشی چون جدایی
زامداران و مردم، نظام‌سوز نیست (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

ب) گزارش به مردم

امام (ع) همواره مردم را در اخبار امور قرار می‌داد و به این امر توجه داشت؛ چنانکه
در نخستین جنگ خود با مخالفان و توطئه‌گران در برابر حکومت خود که نبرد با
ناکثین به رهبری عایشه و طلحه و زبیر بود و به پیروزی امام (ع) و شکست ناکثین و
کشته شدن طلحه و زبیر منتهی شد، پس از فراغت از جنگ نامه‌هایی به مردم مدینه
و کوفه به صورت عمومی و برای برخی افراد از جمله ام هانی، خواهر خود به صورت
خصوصی، نوشت و آنان را از تفصیل مسائل جنگ از زمان آغاز پیمان‌شکنی ناکثین تا
زمان شکستشان و نیز اقدامات خویش پس از تسلط دوباره بر بصره و همچنین تصمیم
خود مبنی بر حرکت به سمت کوفه، آگاه کرد (رفیعی، ۱۳۸۳: ۷۹).

ج) تشکیل پایگاهی جهت پاسخگویی به مشکلات مردم

به نقل ابن ابی الحدید، امیرالمؤمنین (ع) در مرکز حکومت خود برای مراجعه به مردم
و طرح سؤالات و شکایات خود مکان ویژه‌ای در نظر گرفته و نام آن را «بیت القصص»
نهاده بود و مردم برای طرح خواسته‌ها، پرسش‌ها و شکایات خود به آنجا مراجعه کرده و
نامه‌های خود را به صندوق مخصوص می‌انداختند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۵: ۵۱/۱۷).

د) توجه به پیشنهادات و انتقادات سازنده

انتقادات سازنده و اصلاح‌گرایانه از رفتار و شیوه حکومتی زمامداران نقش مؤثری در
پویایی و سالم‌سازی حکومت و مصون ماندن آن از انحراف و استبداد دارد. بدین جهت
امیرمؤمنان (ع) که در مکتب قرآن و دامن رسول خدا (ص) پرورش یافته بود، در
حکومت خویش بر عینیت بخشیدن به این امر تأکید می‌ورزید و می‌فرمود: «هرگز

گمان مبرید سخن حقی را که به من پیشنهاد داده و گفته‌اید بر من گران آید (یا ناراحت شوم) و نه اینکه بپندارید در پی بزرگ نشان دادن خویشتم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه داشتن عدالت به او برایش سنگین باشد، عمل به آن برای وی سنگین‌تر است. از سخن حق یا مشورت به عدالت خودداری نکنید؛ زیرا من خویشتم را مافوق آن که اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر آنکه خداوند مرا حفظ کند» (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶).

در بسیاری از موارد ممکن است پرسشهایی در اذهان مردم پدید آید و ابهاماتی پیدا شود که لازم است از ناحیه حاکم رفع ابهام گردد؛ چرا که این عدم رفع ابهام ممکن است رفته‌رفته از اعتماد و همدلی مردم با حکومت بکاهد حال آنکه انتقاد سبب می‌شود تا آنچه مردم نسبت به حاکمیت در دل دارند بروز دهند و حاکم نیز مشکلات و تنگناها و دلایل خود را به گوش مردم برساند.

امام (ع) با توجه به نقش سازنده نقد در جلوگیری از لغزشها و کژیهای مسئولان و اصلاح امور و پیشبرد حکومت به سوی اهداف عالی، به کارگزاران خود توصیه می‌کرد از میان مردم افرادی را که در گفتن حق از همه صریح‌تر و در مساعدت و همراهی نسبت به آنچه خداوند برای اولیائش دوست نمی‌دارد به آنان کمک می‌کنند بر دیگران تقدم بدارند خواه موافق میل آنان باشند یا نه و می‌فرماید: «برگزیده‌ترین مردم نزد تو باید کسی باشد که عیب تو را به تو هدیه و تو را بر نفست یاری کند» (همان، نامه ۵۳). البته باید توجه داشت که از نظر امیرمؤمنان (ع)، انتقاد، زمانی سازنده است که به مخالفت و تمرد و سرپیچی از اطاعت حاکمان حق و عادل منجر نشود و گرنه انتقاد بی‌اساس و مغرضانه نتیجه‌ای جز فساد جامعه و سلب توانایی مدیران از اعمال مدیریت صحیح و رشد جامعه نخواهد داشت و خود آفتی مخرب خواهد بود. امام (ع) معتقد بود که نقد، گذشته از اینکه موجب اصلاح حاکم و حاکمیت است، وسیله‌ای برای رشد سیاسی و اجتماعی و دینی مردم و حساس مسئولیت بیشتر مردم و حضور قوی‌تر آنان در صحنه است و این امر، خود دارای فواید بی‌شمار و از اهداف

حکومت است. بنابراین دعوت به نقد و ارزیابی عملکرد حاکمیت از سوی مردم خیراندیش، همیشه به منظور نیاز حاکم نیست، بلکه ممکن است مقاصد دیگری مورد نظر باشد (موسوی کاشمری، ۱۳۷۹: ۳۱۳).

نتیجه‌گیری

توجه به فاصله زمانی ۱۳۵۰ ساله حکمرانی امام علی (ع) (۶۶۱ - ۶۵۶ م) تا تولد نظریه حکمرانی (دهه پایانی قرن بیستم میلادی)، تشابه اعجاب انگیز آموزه‌های مورد قبول در آغاز و پایان دوره مزبور، دربردارنده درس مهمی است که نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار آن گذشت. در مقام مقایسه نظریه حکمرانی خوب بانک جهانی با دیدگاه امام علی (ع) می‌توان گفت در مفاهیم بلند نهج البلاغه و منابع اسلامی، حاکم فرمانروایی نیست که دستور بدهد و احساس قدرت کند، بلکه متصدی کارهای مردم است و باید به تمام ارزش‌های مادی و معنوی مردم احترام بگذارد. آنچه که از حکمرانی خوب مورد توجه بانک جهانی است، قرن‌ها پیش مورد توجه حضرت علی (ع) بوده است و فقط با توجه به تفاوت‌های ساختاری دو زمان متفاوت، ارائه راهکارها برای رسیدن به حکمرانی خوب کمی متفاوت است؛ حال آنکه حقیقت حکمرانی خوب در دو دوره یکی بوده و آن اداره هر چه بهتر کشور به دور از هرگونه ظلم، تبعیض، فساد، بی‌عدالتی، عدم مساوات، تجاوز به حقوق افراد، ناکارآمدی دولت و ... است؛ البته در کلام حضرت (ع) به تقوا و عبودیت نیز توجه فراوانی شده است که خود عاملی برای دفع فساد می‌باشد و از طرفی نیز در کلام حضرت (ع) قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) به عنوان منابع دینی مستحکم و خلل‌ناپذیر معرفی شده‌اند که در زمان وجود مشکل می‌توانند بهترین راهکارها را ارائه دهند.

لذا با توجه به آنچه بیان شد به روشنی می‌توان دریافت که در منابع اسلامی به ویژه قرآن و نهج البلاغه مسئولیت و پاسخگویی دو مفهوم ملازم یکدیگرند و از نظر نظام سیاسی اسلام، حکومت از مقوله امانت و مسئولیت است نه حق و امتیاز. از اینرو امام (ع)

ملاک خود در واگذاری امور به افراد را میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن آنان در مقابل آن مسئولیت می‌دانست و در سیره حکومتی ایشان پاسخگویی تنها منحصر به لایه‌های میانی مدیریت جامعه نبود بلکه خود را نیز به عنوان رأس هرم قدرت در حکومت اسلامی همواره پاسخگو می‌دانست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات پارسایان، ۱۳۷۹.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱۷، ۱۴۱۵م.
۴. آرای، وحید، «حکمرانی خوب به مثابه آرمان نظارت و ارزیابی»، سازمان بازرسی کل کشور، س ۲، ش ۶، ۱۳۸۸.
۵. اخوان کاظمی، بهرام، «پاسخگویی و کارآمدی»، فصلنامه حکومت اسلامی، س ۹، ش ۴، ۱۳۸۳.
۶. ازهر، زهرا؛ جلالی، محمد، «پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش شرطها»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، س ۲۰، ش ۱، بهار ۱۳۹۵.
۷. حیدری اصفهانی، نادره، فصلنامه فدک، س ۱، ش ۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ۱۳۸۹.
۸. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۴۶.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۷۹.
۱۰. رفیعی، رمضانعلی، «پاسخگویی در گفتار و سیره امیر المومنین (ع)»، فصلنامه حصون، س ۱، ۱۳۸۳.
۱۱. شاه‌آبادی، ابوالفضل، «جامه بزرگی آمنه، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۲.
۱۲. عباس‌زاده، محسن، سیره مدیریتی امام علی (ع)، خراسان رضوی: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۳. قدمی، مصطفی، «بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۳۱، ۱۳۹۱.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الإسلامية، ج ۱۷ و ۱۸، ۱۳۶۶.
۱۵. ممتحن، مهدی، «امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان»، فصلنامه فدک، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
۱۶. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، «انتقادی و انتقادپذیری در حکومت علوی»، فصلنامه حکومت اسلامی، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۷۹.
۱۷. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۳.
۱۸. -----، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۲، ۱۳۸۵.
۱۹. -----، «تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه نامه مفید، ش ۴۲، ۱۳۸۳.
۲۰. نقیعی منفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
۲۱. نیکو برش راد، فرزانه، حکومت و عدالت اجتماعی در دوران علی، تهران: نغمه نواندیش، ۱۳۸۶.
۲۲. ورعی، سید جواد، «دولتمردان پاسخگوی خدا و مردم»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳۴، ۱۳۸۳.